

شاید بتوان گفت مهمترین ویژگی جامعه شناختی در کشورهایی مانند ایران که به عنوان یک شاخص مهم عمل می کند ، مسأله فرایند یک گذر تاریخی بزرگ است؛ گذر به انسان اقتصادی، انسان سیاسی، انسان ارتباطی و انسان اجتماعی (شهروند مدار)؛ که اکثر کشورهای پیشرفته به آن رسیده اند. از اینرو اساسی ترین مسأله ما گستردگی و فشردگی تضادهایی است که طی این گذار تاریخی با آن ها روبه رو خواهیم شد. (پیران ۱۳۸۳: ۱۲)

بی تردید لازمه حیات و شکوفایی مطلوب یک جامعه در حال گذر، رشد و شکوفایی جوانان و به خصوص دانشجویان آن جامعه است. در کشور ما ساهاست که بحث جوانان و مسایل مربوط به آنان در مقاطع زمانی مختلف از سوی افراد و سازمان های مختلف مطرح می شود و همیشه مثل تمامی امور، در ادامه کار عقیم میماند. آمارهای نگران کننده طلاق، خودکشی، خودسوزی، مصرف مواد مخدر و کاهش سن فحشا در بین جوانان، همگی نشانه ای از آینده مبهم و تاریک جامعه است. در مواجهه با این منظومه طیف از مشکلات، گسست یا کاهش سطح روابط اجتماعی به عنوان یکی از مسایل حاد و اساسی در این زمینه است.

در واقع، دغدغه کاهش و گسست روابط اجتماعی، از جمله موضوعاتی است که به کرات در جامعه شناسی کلاسیک و معاصر به چشم می خورد و شاید بتوان به تعبیری گفت که جامعه شناسی مولودی از همین نگرانی هاست (شارع پور ۱۳۸۰: ۶۱)

پس به درستی هرگاه انسان از جامعه می برد و در تنهایی غوطه می خورد یا دچار حالت انزوای اجتماعی میشود، با همان سرعت راه به سوی انحراف، اعتیاد و سایر انحرافات و آسی بهای اجتماعی و حتی خودکشی می برد.

جامعه شناسان معاصر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جوامع، از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره جسته اند. اما سرمایه اجتماعی چیست؟ و رابطه میان اعتماد اجتماعی با سرمایه اجتماعی چیست؟

منظور از سرمایه اجتماعی، میزان سرمایه و منابعی است که افراد و گروه ها از طریق پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر (و نوع این ارتباطات) میتوانند به دست آورند اگر پرسیده شود که سرمایه های اجتماعی چه موقعی به وجود می آیند، میتوان پاسخ داد که سرمایه اجتماعی، هنگامی به وجود می آید که روابط میان افراد، به شیوه ای دگرگون شود که کش را تسهیل کند. نیز یادآوری این نکته سودمند است که سرمایه اجتماعی به منزله یکی از اشکال سرمایه، با گذشت زمان مستهلک می گردد. در کل، اگر روابط اجتماعی حفظ نشوند به تدریج از بین می روند و انتظارات و تعهدات نیز با گذشت زمان، ضعیف و ناپدید می شوند.

طبق دیدگاه محققان، حکومت ها به تنهایی نمیتوانند حکومت کنند بلکه برای اداره امور به دیگران متکی اند. به همین دلیل بیش از پیش مشخص شده است که تنها، بخشی از فعالیتهای مختلف مربوط به زندگی شهری از ابعاد مختلف توسط فرایندها و روابط رسمی تعیین می گردد. فرایندهای تولید، مبادله، تصمی مگیری و اداره کردن بعضاً از طریق فرایندها و روابط غیررسمی تحقق می یابد

و لذا دو گروه از فرایندهای رسمی و غیررسمی دائما در کنش و واکنش متقابل اند و عامل اصلی در تداوم این کنش و واکنشها اعتماد اجتماعی است

در بستر تعاملات و کنشهای گروهی، اعتماد، به منزله یک مکانیسم اجتماعی با کارکردهای متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روانشناسی خود، نقش مهمی را در این زمینه ایفا می کند. در واقع زندگی انسان، بدون احساس اعتماد به خود، اعتماد به آینده و اعتماد به جهان پیرامون خود، همراه با اضطراب و کشمکش تحمل ناپذیری است که ممکن است باعث از هم پاشیدگی فرد و نابودی وی شود. اعتماد، رشد انسان و شکوفایی استعدادها و تواناییهای او را تسهیل می کند و رابطه او با دیگران و جهان را به رابطهای خلاق و شکوفا تبدیل می سازد تا فرد بتواند آرامش، امنیت و آزادی و استقلال را در کنار دیگران و با دیگران همان طوری که گفته شد، رشد اعتماد اجتماعی در افراد تجربه کند.

باعث احساس امنیت، آزادی استقلال و همبستگی اجتماعی هر کدام از طرفین رابطه می گردد. پس اعتماد، زمانی شکل می گیرد که افراد، درباره زندگی و بقای خویش، یعنی آینده و جهان پیرامونشان، امید و اطمینان داشته باشند و بالعکس هر آنچه زندگی و بقای افراد را به خطر اندازد و یا تمامیت وجود مستقل آنها را تهدید کند، اعتمادشان را سلب خواهد کرد.

بنابراین میتوان در همین مورد به عوامل مؤثر در ایجاد اعتماد و بیا اعتمادی در جامعه نظر کرد؛ چرا که هر آنچه ثبات و استحکام وضعیت طبیعی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعهای را ناپایدار و متزلزل کند، امنیت و اعتماد را از مردم آن جامعه می گیرد و در نهایت، فرسایش سرمایههای اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

۲- بیان مسأله

در بیان مفهوم جامعه می توان گفت که جامعه از یک عده افراد تشکیل شده است که برای انسانها، ارضای نیاز « هدف » ارضای نیازهایشان باهم روابط اجتماعی دارند . به این ترتیب از اینجاست که دانشمندان به روابط اجتماعی به منزله یک « وسیله » ، است و روابط اجتماعی واقعیت مهم و مستقل می نگرند و آن را در قالب یک رشته خاص به نام جامع هشناسی بررسی علاوه بر ساخت و میزان روابط در یک جامعه، استحکام روابط می کنند . بین اعضای آن بسیار حایز اهمیت است . استحکام روابط، احساس دوری و نزدیکی افراد نسبت به هم یا احساس پیوند قوی در روابط بین افراد، عامل اساسی در دوام و استمرار این حالت است .انسانها به طور ذاتی در تعامل و تقابل با دیگران، نیازهای خود را برطرف ساخته و گذران امور می کنند .اثرات این کنش های متقابل و نقش آن ها تا حدی است که حذف آن زندگی را غیرممکن می سازد؛ اما دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع، به شناسایی این کنش ها پرداخته و به مجموع عواملی پی برده اند که آن را سرمایه اجتماعی نامیده اند .

این مفهوم، در برگیرنده مفاهیمی همچون اعتماد، همبستگی و (social capital) در این وفاق اجتماعی میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است .

راستا مفهوم اعتماد که به منزله یک شاخص کلیدی است، فرایند دگرگون شدن پیوندهای یک سویه به چند سویه است که در آن همبستگی بین افراد افزایش می یابد و علاقه آنها هموار می سازد .در (Self control) نسبت به یکدیگر فزونی می گیرد و راه را برای کنترل خود چنین فضایی، نظارت اجتماعی بیشتر بر اساس احساس خجالت و شرم است تا احساس و افراد از کنترل

اجتماعی دیگران بی نیازند و این مفهومی است که با سرشت « ترس و بیم » انسان سازگاری زیادی دارد. طبق این دیدگاه، اعتماد متقابل اجازه می دهد که تعاملات در بنابرین، اعتماد یکی از : جامعه، به صورت گسترده و روان جاری گردد . یک نوع مهمترین نیروهای ترکیبی موجود در درون جامعه است .

اجماع آرای عمومی میان اندیشمندان معاصر علوم اجتماعی، حول این موضوع وجود دارد که نتایج آن همچون یک روند سی لاسا در سر تیترهای عنوانی انتشارات اخیر به چشم می خورد که به عنوان یک مفهوم کانونی نظریات کلاسیک جامعه شناسی و نیز محور اصلی تئوری های نوین سرمایه اجتماعی و زمینه تعاملات و روابط اجتماعی است در واقع، گرایش به بررسی اعتماد اجتماعی، به منزله یک مسأله اساسی، به صورت خارق العاد های در حال افزایش تدریجی است و به خصوص در اکثر دانشگاه های دنیا، در رشته هایی چون جامعه شناسی، سیاست، اقتصاد، روانشناسی، تاریخ، فلسفه، مدیریت، مطالعات سازمانی و انسان شناسی، این روند، قابل مشاهده است .

گفته می شود که اعتماد اجتماعی حتی بر روی رشد شتابان اقتصادی، افزایش بازده رونق اقتصادی، فراهم کردن سود عمومی، ایجاد همبستگی اجتماعی و همکاری، هماهنگی، رضایت از سطح زندگی، ثبات دموکراسی و توسعه و حتی تندرستی و افزایش اعتماد، همچنین، هسته مرکزی بسیاری امید به زندگی اثرگذار است از مفاهیم کاربردی موجود در تئوری های علوم اجتماعی است که برای تبیین فرایندهای زندگی روزمره از جمله رضایت از زندگی، خرسندی، خوش بینی، بهزیستی، تندرستی، رونق اقتصادی، آموزش، رفاه، مشارکت، جامعه مدنی، دموکراسی، مردم

سالاری و در نهایت تولید علمی به کار گرفته می شود. در ضمن، اعتماد اجتماعی، یکی از اجزاء اصلی سرمایه های اجتماعی است و معمولاً آن را به منزله یکی از شاخ صهای کلیدی بررسی سرمایه های اجتماعی ب هکار می برند؛ حتی در مواقعی می توان گفت که بهترین یا تنهاترین شاخص در همان طور یکه گفته شد، زمینه بررسی سرمایه های اجتماعی است.

اعتماد اجتماعی به منزله یک مقوله اجتماعی، از مسایل اساسی بوده و نمود آن در تمامی سطوح جامعه متبلور است یک دولت برای اجرای برنامه های اصلاحیش، یک کارفرما برای بالا بردن تولید محصولاتش، یک سرپرست اداره برای موفقیت در کارش، یک پزشک برای معالجه بیمارش و یک استاد برای افزایش کارآیی آموزش اش نیازمند جلب اعتماد کسانی هستند که تحت نظارت آن ها به فعالیت می پردازند و موفقیت آنها در گرو جلب اعتماد زیردستانشان است. اعتماد، تنها یکی از پدیده های اجتماعی جالب و بغرنجی نیست که به تازگی پژوهش های گسترده ای درباره آن انجام گرفته باشد، علاقه ای که اخیراً نسبت به این پدیده در آثار اندیشمندانی چون فوکویاما، سلیگمان، گامبتا، گیدنز، لوی، میزتال، پوتنام و آیزنشتاد نسبت به سایر پدید ههای اجتماعی از قبیل سرمایه اجتماعی، احترام متقابل، شهرت اجتماعی، اطمینان، انجم پذیری، انسجام اجتماعی و جامعه مدنی که با این پدیده ارتباطی تنگاتنگ دارند ابراز می شود، م ی تواند با تشخیص این مشکل اصلی سیاست گذاری عمومی در برقراری و تداوم هماهنگی و همبستگی اجتماعی چیست رابطه داشته باشد .

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش:

نکته اساسی در تعریف مفهومی اعتماد، چندگانگی در تعریف آن از یک سو و عدم وفاق بر روی هسته اساسی این مفهوم است؛ شاید این مسأله به آن جهت باشد که رشته های مختلفی در علوم اجتماعی سعی در مطالعه مفهوم اعتماد داشته اند رشته هایی چون جامعه شناسی، علوم سیاسی، روانشناسی و اقتصاد که هر یک متناسب با کارکردهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روانشناختی اعتماد، سعی کرده اند تا مفهوم ویژه ای از این تعبیر عرضه کنند.

متأسفانه در ایران، قدمت بررسی این مفهوم چندان زیاد نیست و مأخذشناسی تحقیق ولی نتایج بسیاری این حوزه نیز، چندان از غنای لازم برخوردار نیست از مطالعات اخیر در سطح کشور، حاکی از کاهش سطح نسبی این متغیر در نزد اقشار مختلف و سوگیری عاطفی و خاص گرا در روابط کنشگران در تمام سطوح دارد نگرانی این مطلب است که اعتماد اجتماعی، به منزله یک مسأله اجتماعی، به سرعت، به ابزار تحلیلی پژوهش های جدید، در عرصه توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، مبدل می شود.

در این جا سعی شده با رویکردی جامعه شناختی، به موضوع اعتماد، نگرسته شود. در واقع، اعتماد، در سه مورد حایز اهمیت است: نخست ای نکه افراد جامعه چه زمانی اعتماد می کنند؟ دوم این که اعتماد چگونه بوجود می آید؛ منشأ اصلی آن چیست و چه پیامدهایی دارد؟ و در نهایت این که میزان اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان مورد مطالعه چه مقدار است و چه عواملی در افزایش و یا کاهش آن دخالت دارند؟

۴- ادبیات - پیشینه و چهارچوب نظری پژوهش

آقای روبرت پوتنام در سال ۱۳۸۰ در پژوهش خود به این نتایج دست پیدا کرده:

در بررسی ادبیات جامعه شناختی مفهوم اعتماد به سه رهیافت فکری جامع دست می یابیم:

نخست این که اعتماد، به منزله ویژگی فردی افراد است، دومین رهیافت این که اعتماد به منزله عاملی در ارتباطات اجتماعی و نهایتاً هم اعتماد به عنوان ویژگی نظام اجتماعی با تأکید بر رفتار مبنی بر تعاملات و سوگیری ها در سطح فردی، مفهوم سازی شده است در واقع، نخستین دیدگاه بر احساسات و ارزشهای فردی تأکید .

دارد و اعتماد را به عنوان یک امر فردی و شخصیتی، بررسی می کند ؛ مطابق این دیدگاه، اعتماد، به منزله یک ویژگی فردی و شخصیتی است. در این برداشت که با رویکردی روانشناختی اجتماعی همراه است، اعتماد، یک تلفیق مفهومی است که در ارتباط بسیار نزدیک با مفاهیمی مانند وفاداری، دگرخواهی، صداقت و نوع دوستی قرار می گیرد. این رهیافت، یک پارادایم شخصیتی درباره اعتماد، مطرح کرده و به زمینه اجتماعی آن توجه زیادی ندارد این دیدگاه در حالت خرد به دو گرایش عمده تقسیم می شود:

الف) اعتماد، گرایی است مبتنی بر یادگیری که در ابتدای کودکی شکل گرفته و حتی در زندگی آینده افراد نیز اثرگذار است؛ این روند، به صورت تدریجی و تحت تأثیر تجربیات دوران کودکی، برای همیشه ماندگار می شود همانند تجربه های آسی بزی روانی. این دیدگاه، اخیراً، توسط اریک پوزلنز، بررسی شده است. وی استدلال می کند که ما اعتماد نخستین خود را در زندگی با

والدینمان می آموزیم و نه در مراحل بعدی زندگی و به صورت متقابل. در واقع، اعتماد، تحت تأثیر یادگیری اولیه اشخاص در ارتباط نزدیک با والدینشان شکل میگیرد.

ب) دیدگاه دوم این که اعتماد، گرایشی است برای جامعه پذیری که نه تحت تأثیر شخصیت درونی افراد و تجربیات آغازین آن ها بلکه تحت تأثیر انعکاسات اعمال سایرین در روابط متقابل چهره به چهره و محصولی از تجارب زندگی دوران بزرگسالی افراد نه فقط دوران کودکی آن هاست.

به اعتقاد پوتنام، بی اعتمادی، گرایشی احساسی است که تحت تأثیر حالات انعکاسی در قربانیان جرم ها و خشونت ها و فقر بروز می کند. این دیدگاه شباهت زیادی به دیدگاه پترسون دارد؛ طبق تحلیل وی رابطه نسبتاً شدیدی میان طبقه و نژاد اشخاص و میزان اعتماد آن ها وجود دارد؛ به اعتقاد وی اضطراب و ناامنی تحت تأثیر این تفکیک، قوی ترین کلمن معتقد است که نیروی تحریک کننده بی اعتمادی است.

مفاهیم ذهنی یک جامعه برای برقراری اعتماد و محتوای قضاوت ها و ارزیابی ها، می تواند مدخل ارزشمندی در تحقیقات اجتماعی باشد. کنشگران، باتوجه به قضاوت و عملکرد دیگران، بر اساس ملاحظات عقلانی آنچه که بهترین است و با در نظر گرفتن راه حل های گوناگونی که در برابر آن ها وجود دارد، اعتماد می کنند؛ اما توزیع سنی، جنسی، نژادی و سایر ویژگی های کسانی که با آن ها ارتباط دارند و توزیع واقعی آن ویژگی ها در جمعیت، تعیین می کند که آن ها با چه راه حل هایی رودررو هستند. این گونه اطلاعات ساختاری، می توانند به توزیع برقراری اعتماد کمک کنند

و تغییرات آن را این دیدگاه تا حد زیادی با رهیافت سوم در ارتباط : پیش بینی نمایند نزدیک است.

در دومین رهیافت، اعتماد، بیشتر، در جایگاه یک ویژگی اجتماعی تلقی می شود و بنابراین در کالبد نهادی جامعه، عملی م یگردد و بیشتر، جنبه جامعه شناختی پیدا می کند .

اعتماد، در این دیدگاه، در جایگاه یک امر اجتماعی تلقی می شود که برای دستیابی به اهداف سازمانی استفاده می شود

ج) رهیافت سوم، با رویکردی تأکیدی به مشخصات اجتماعی، در نقطه مقابل رهیافت روانشناسانه و فردگرایانه قرار می گیرد. طبق این دیدگاه، اعتماد، بیشتر از آن که وابسته به ویژگی های درونی افراد باشد، ریشه در روابط اجتماعی و یا ساخت این گونه روابط دارد. پس می توان گفت در این دیدگاه، اعتماد، در جایگاه یک منفعت جمعی با ارزش تلقی میشود که به وسیله تعاملات اعضاء در جامعه، پ یگیری م یشود. اعتماد متقابل، ریشه در وابستگی عاطفی دارد که خود، از طریق رابطه اجتماعی با دیگران و عضویت در اجتماعات حاصل می گردد. رابطه اجتماعی، از یک طرف، وابستگی عاطفی تولید م یکنند و از طرف دیگر، برطبق این دیدگاه، : وابستگی ایجاد شده حافظ این رابطه می گردد .

توانایی ایجاد روابط اجتماعی، اثر مثبت بر اعتماد اجتماعی دارد. برخی از صاحب نظران معتقدند که اعتماد، به افراد اجازه می دهد تا به همکاری بپردازند؛ در جوامعی که افراد ساکن در آن می توانند اطمینان خاطر داشته که اعتماد آن ها نه تنها مورد سوء استفاده قرار نم یگیرد بلکه به سود آن ها

هم منتهی می شود مبادلات و روابط مبادله ای به سهولت شکل میگیرد برخی دیگر نیز اعتقاد دارند که اعتماد به یکدیگر، شرط روابط ثانویه است که به نوبه خود، برای مشارکت های سیاسی و اجتماعی، مؤثر است .

بنابراین در این رهیافت، نشان داده می شود که اعتماد، در سطح خرد، چگونه به پیدایش آن در سطح کلان کمک مینماید. به طور مثال، هر برخورد مثبت با دانشجویان، می تواند موجب افزایش سطح اعتماد آنها در نظام آموزشی و نهایتاً ارتقاء سطح آموزشی و علمی کشور شود.

مطابق این رهیافت، اعتماد، به منزله یک مفهوم جامعه شناختی و با هدف تحلیل آن در سطوح سیستمی و روابط بین شخصی، مفهوم مسازی می گردد و بنابراین اعتماد، به منزله یک مکانیسم اجتماعی تلقی می گردد. مطالعه اعتماد اجتماعی، در جایگاه یک مکانیسم اجتماعی، تعاملات اجتماعی انسانها را به وسیله انگیزهها، احساسات و باورهای آنان بررسی می کند چون محور اساسی کار ما، در این رهیافت نهفته است به بررسی کلی (Misztal; 1996: 15) دیدگاه های موجود در این رهیافت می پردازیم.

(Johnson) دیوید جانسون

طبق دیدگاه جانسون، برای ایجاد ارتباطات اجتماعی، شخص باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که در نتیجه، ترسهای خود و دیگری را از طرد شدن کاهش داده، امید به پذیرش، حمایت و تأیید را ارتقاء بخشد. طبق دیدگاه وی، اعتماد، یک خصیصه شخصیتی ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه اعتماد اجتماعی، جنب های از روابط اجتماعی است که مدام، در حال تغییر و پویایی است و این اعمال اجتماعی افراد است که سطح اعتماد را در روابط اجتماعی آنها

افزایش یا کاهش می دهد همچنین، اعمال اجتماعی آن ها در ایجاد و حفظ اعتماد، در روابط دو سویه و کنش های هر دو طرف از اهمیت زیادی برخوردار است.

هرچند مفهوم اعتماد، حالت انتزاعی و پیچید های دارد و به سادگی (Johnston 1993: 66) نمی توان عناصر و ابعاد آن را مشخص کرد ولی جانسون معتقد است که در یک رابطه مبتنی بر اعتماد (اعتماد) اعتماد کننده و فرد مورد اعتماد (این عناصر وجود دارند: صراحت و باز بودن، سهمیم کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری جویانه، رفتار مبتنی بر اعتماد، رفتار قابل اعتماد، اعتماد کننده بودن و قابلیت اعتماد داشتن. سطح اعتماد در محدوده یک رابطه اجتماعی، بر اساس توانایی و گرایش افراد برای اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن، به طور گسترده، در حال تغییر است. هنگامی شما اعتماد کننده تلقی می شوید که در معرض ارتباط با دیگران و نیل به یک نتیجه سودمند یا مضر از این ارتباط باشید، به بیانی خاص، وقتی شما خود، امین بوده خواهان پذیرش و حمایت آشکار از دیگران باشید اعتماد کننده هستید وقتی شما قابل اعتماد هستید که به اقدام تهورآمیز شخصی پاسخگو باشید و این تضمین، ایجاد گردد که شخص مقابل، شاهد نتایج سودمند خواهد بود. به بیانی دقیق تر، شما وقتی قابل اعتماد هستید که نسبت به شخص مقابل، ابراز استقبال، حمایت و همکاری کنید؛ همانند زمانی که شما نسبت به صراحت و اعتماد وی، متقابلاً پاسخ و عک سالعملی مساعد نشان می دهید.

(Luhmann) لوهمان

وی، میان دو مفهوم اعتماد و اطمینان، تفاوت اساسی قایل شده و معتقد است اعتماد با مفهوم ریسک و مخاطره پذیری، ارتباط نزدیک دارد و در دوران اخیر مطرح شده است. لوهمان از دیدگاهی خاص، به بررسی اعتماد می پردازد که کمتر مورد توجه سایر نظری هپردازان واقع شده؛ به این معنا که او کارکرد اعتماد اجتماعی را در درون سیستم اجتماعی بررسی می کند و با نظم در جامعه مقایسه می کند. به اعتقاد وی، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی، این است که عدم تعیین اجتماعی را کاهش و به این ترتیب باعث افزایش قابلیت پیش بینی رفتارها می شود. اعتماد، در واقع، یک نوع مکانیسم اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتارها تنظیم و هدایت می شود.

(Giddens) گیدنز

وی اعتماد را به منزله اطمینان یا انکار بر یک ماهیت یا خاصیت شخصی یا چیزی یا صحت گفته ای می شناسد و این تعریف به نظر گیدنز نقطه شروع مفیدی را به وجود خواهد آورد. وی با دیدگاه لوهمان درباره اعتماد موافق نیست و می گوید: در واقع، اطمینان، نوع خاصی از اعتماد است و برخلاف برداشت لوهمان، هیچ ارتباط درونی و ذاتی بین اطمینان و ریسک وجود ندارد و در توجیه تفسیر خود، نکاتی را درباره اعتماد دخیل م ی داند اولاً شرط نخستین مقتضیات اعتماد، عدم قدرت نیست بلکه عدم آگاهی اجتماعی کلی است در مورد فرد که فعالی تهای او به صورت مستمر در معرض دید است و روند افکار او آشکار است؛ نیز در مورد نظامی که اعمال کنندگانش شناخته شده و قابل ادراک هستند، نیازی به اعتماد نیست. ثانیاً اعتماد به قابلیت اتکای فرد یا

سیستم نیست، بلکه آن چیزی است که از آن اعتماد سرچشمه می گیرد. اعتماد دقیقاً خط اتصال بین اعتماد و اطمینان است. بنا به تعریف وی، اعتماد اجتماعی در واقع عاملی اساسی در احساس آرامش جسمانی و روانی و در نهایت امنیت اجتماعی در شرایط عادی زندگی روزمره است و علت ای نکه ما اغلب در فعالیت های جاری خود کمتر از آنچه واقعاً هستیم احساس ضعف و ناتوانی می کنیم به دلیل عدم وجود اعتماد بنیادین، در حالت کلان و عدم وجود اعتماد اجتماعی میباشد. گیدنز، جو دارای اعتماد را با می آورد که در حقیقت، نوعی پوشش اطمینان بخش است که به « پبله حفاظتی » اصطلاح حفظ و تداوم محیط پیرامونی ما کمک می کند .

(Parsons)پارسونز

کنش متقابل اجتماعی و رفتار اجتماعی هر فردی در جامعه، سه عنصر را در بر می گیرد: اول، از عامل دیگری که در این جا دیگری ، «خود» انتظارات متقابل میان عامل ها، عامل معینی مانند خواننده میشود انتظار دارد که در فلان موقعیت مشترکشان، به این یا آن صورت رفتار کند. در میدانند که در رابطه با موقعیت مشترک، دیگری نیز انتظاراتی دارد. «خود» همان حال دوم، ارزش شها و هنجارهایی وجود دارد که بر رفتار عامل ها حاکم است یا فرض می شود که حاکم است، در واقع، انتظارات متقابل در گروه متکی بر وجود هنجارها و ارزش ها است. در جهتی « خود» وجود هنجارها یا ارزش های مشترک، مسأله ای نیست، مهم آن است که را در جهتی هدایت می کند، به « خود» هدایت می کند و دیگری می داند که هنجارهایی میدانند و میتواند « دیگری» به دلیل نقش های شناخته شده رفتار « خود» عبارت دیگر در یک وضعیت مفروض به گونه معینی عمل خواهد کرد. «دیگری» پیش بینی کند که در صورت عدم برآوردن

«دیگری» و «خود» سوم، ضمانت اجرایی یا پاداش و تنبیهی که انتظار متقابل، نصیبتان خواهد شد.

(Hardian) هاردن

ضمانت های اجرایی اجتماعی، متشکل از هنجارها، قوانین و ... که در واقع، مجموعاً حول یک محور اصلی، یعنی سرمای های اجتماعی، گرد آمده اند و این عامل به منزله متضمن و ضمانت اصلی در فرایند یک نظام ارتباطی است که در آن، اعتماد اجتماعی به صورت واقعی وجود دارد و نبود یافرسایش سرمایه های اجتماعی باعث از بین رفتن این شبکه روابط اجتماعی و در نتیجه، به وجود آمدن عدم احساس اعتماد اجتماعی، میشود که از نتایج آن، کاهش همبستگی، وفاق، تعهدات اجتماعی، افزایش آنومی و آسیبهای اجتماعی بسیار بغرنج است که عواقب حاصل از آن، جبران ناپذیر خواهد بود، چون این پروسه و فرایند در طول یک زمان طولانی به وجود می آید و فرایند شکل گیری آن نیز زمان و هزینه های بسیار هنگفتی را در بر خواهد گرفت.

(Bellah) بِلّا

وسیله عمومی که به موازنه ارتباطات در نظام های اجتماعی و سیاسی کمک می کند، منزلت یا نشان دادن احترام یک طرف به طرف دیگر است و کسب اقتدار اجتماعی، از طریق ارتباط اجتماعی و ایجاد اعتماد اجتماعی، فراهم می گردد و به منزله یک عامل انگیزه زا در اعتماد متقابل بین افراد است.

(Mc Clennen) ادوارد مک کلنن

آن ها که میل به فواید مبادله در بازار دارند، به درستی خواهان برقراری فضایی هستند که بتوان در آن اعتماد ورزید. در غیاب چنین فضایی) رابطه اجتماعی (یا مبادله انجام نمیشود و یا فقط وقتی انجام می شود که هریک از طرفین منابعی گرا نبها) ضمانت های اجرایی (را برای مصون ماندن در برابر ریسک های مبادله و روابط اجتماعی، صرف کنند. به زبان در (transaction costs) و معاملاتی (opportunity costs) اقتصاددانان، هزینه های فرصت شرایط فقدان اعتماد، بسیار زیاد است. جو اعتماد هنگامی به وجود می آید که اشخاص، از یکدیگر انتظارات داشته باشند و قواعدی مشخص و معین را در معاملاتی که باهم دارند رعایت کنند .

مطابق دیدگاه وی، سه رویکرد اساسی در ایجاد جو اعتماد وجود دارد ۱: شبکه های غیررسمی روابط متقابل بر اساس دوستی، روابط خانوادگی یا خویشاوندی نزدیک و یا پیوندهای فرهنگی ۲ مجموع ههای رسمی از قواعد و مقررات حقوقی، هنجارها و نظم اجتماعی موجود ۳ ضوابط اخلاقی غیررسمی که پشتوانه شان، تعهدی درونی و اجتماعی برای پابندی به آن ضوابط در روابط اجتماعی است.

(Inglehart) اینگلهارت

از نظر اینگلهارت، سطوح نسبتا پایین انتشار رضایت و اعتماد، موجب میشود که شخص، به احتمال زیاد، نظام ساختار موجود را نپذیرفته و دچار حالت آنومی یا بیگانگی اجتماعی بشود . رضایت از زندگی، رضایت اجتماعی، فضای باز ارتباطات اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی موجود و در نهایت، اعتماد به یکدیگر، همگی به هم وابسته بوده نشانه های نگرش های مثبت را

نسبت به جهانی که شخص در آن زندگی میکند، تشکیل میدهند. جالب تر از همه، این واقعیت است که به نظرمی رسد این نشانگان با بقای نهادهای اجتماعی رابطه دارد. نیز این نشانگان، با سطوح اقتصادی یک کشور در ارتباط نزدیکند و کشورهای توسعه یافته از لحاظ رضایت اجتماعی، عناصر این نشانگان، در سطوح بسیار بالایی قرار دارند.

(Coleman) کلمن

وضعیت تهای متضمن اعتماد، طبق های فرعی از وضعی تهایی را در بر می گیرند که متضمن ریسک است. در این وضعی تها، ریسکی که فرد می پذیرد، به عملکرد کنشگر دیگری بستگی دارد. در رابطه دارای اعتماد، دو مؤلفه موجود است: اعتماد کننده و امین (فرد مورد اعتماد)، که هر دو هدفمند بوده و هدف آنها تأمین منافعشان است، صرف نظر از این که این منافع چه باشد. باید فرض کرد هر فرد کنشگری هدفمند است و باید کوشش کرد کنشهای هر کنشگر را به صورت کنشهای معقول تحت تأثیر هد فهایی تبیین کرد که کنشگر در چنین وضعیتی ممکن است داشته باشد. تصمیم اعتماد کننده بالقوه، تقریباً همیشه مسأله برانگیز است، تصمیم برای این که آیا به امین باید اعتماد کرد یا نه؟

(Mills & Tocqueville) توکویل و میلز

این تئوری، محور اساسی جدیدترین بحث در مورد سرمایه های اجتماعی است. درک این نکته که مشارکت کردن به وسیله شرکت کننده و شرکت در نظم و ارتباط با دیگران در یک زمینه ارادی، به اعتماد همکاری متقابل، یکدلی با دیگران و « تشویق به عادت کردن » یادگیری ما در مورد اینکه تفاهم و یکپارچگی برای مصلحت و صلاح عمومی نیاز دارد. مهمترین شکل مشارکت، طبق

این دیدگاه تئوریک، نظارت کردن رودر رو و تحمل گرفتاری و مشکلات در نهادهای ارادی در اجتماعی محلی است. این تئوری به تئوری نهادهای داوطلبانه معروف است.

کوشمن

او تعهد در محیط کار و سازمان را، یک احساس وفاداری و ثبات قدم نسبت به محیط کار و کسب هویت به همراه ارزش ها و اهداف آن سازمان تعریف نموده، آن را مرتبط با همبستگی کارکنان و موافقت آنان با ماهیت) وظایف و اهداف (سازمان میداند. تعهد به آموزش دانشجویان، اختصاص دادن زمان بیشتری) بیش از وقت رسمی (است. وی با توجه به دو جزء فوق، به طور کلی، تعهد را درج های از درونی کردن ارزش ها و اهداف و احساس وفاداری همراه با اعتماد نسبت به محیط دانسته و آن را بازتاب تنظیم و مطابقت نیازها و ارزش های افراد با نیازها و ارزش های سازمانشان که خود نتیجه انسجام و همبستگی قوی بین اعضای سازمان است، معرفی می نماید.

نمودار شماره ۱ تئوریک خلاصه شده ای از تئوری های استدلالی به کار رفته تا این قسمت است .
فهرست ماتریسی خط مشی تئوریک عمده و متغیرهایی که قادرند برای سنجش شاخصها یا آزمون
همبستگی ها به کار روند.

www.markazdanesh.ir

۵- فرضیات تحقیق

همان طوری که گفته شد، میان این دیدگا ههای فکری در مورد اعتماد اجتماعی وجوه تشابه ، زیادی را مشاهده می کنیم .بنابراین، ضمن جمع بندی نظریه های مذکور در نمودار شماره ۱ فرضی ههایی را نیز در دنباله مطالب در مورد منشأ اعتماد اجتماعی و قالب های رفتاری در مورد آن به شرح زیر استخراج کردیم:

۱. هر قدر احساس تعهد اجتماعی افراد نسبت به موقعیت پایگاهی اجتماعی خود بیشتر

باشد احساس اعتماد اجتماعی آن ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.

تعهد اجتماعی ← اعتقاد اجتماعی

۲. هر قدر احساس منزلت اجتماعی افراد نسبت به موقعیت پایگاهی اجتماعی خود بیشتر

باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.

منزلت اجتماعی ← اعتماد

۳. هر قدر احساس اقتدار اجتماعی افراد نسبت به موقعیت پایگاهی اجتماعی خود بیشتر

باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.

اقتدار اجتماعی ← اعتماد اجتماعی

۴. هر قدر میل به مشارکت اجتماعی افراد نسبت به موقعیت پایگاهی اجتماعی خود بیشتر

باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.

میل به مشارکت اجتماعی ← اعتماد اجتماعی

۶- روش اجرای تحقیق

۶-۱ روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

(survey research) در این تحقیق، به اقتضای موضوع و باتوجه به امکانات، روش پیمایشی به منزله مناسبترین روش برای گردآوری اطلاعات مدنظر قرار گرفت، زیرا چارچوب تئوریک و فرضیات تحقیق نیز، به کارگیری روش پیمایشی را برای گردآوری و آنالیز داده ها، بیشتر، امکان پذیر می سازد.

جمعیت آماری این تحقیق را، مجموعه دانشجویان دانشگاه پیام نور تشکیل داده اند ۱ که دانشگاه آزاد ۸۵۰۰ نفر، دانشگاه دولتی ۶۵۰۰ نفر و دانشگاه پیام نور ۱۲۰۰ نفر را تشکیل می دهند. به طور کلی مجموعه دانشجویان دختر و پسر این شهر، جامعه آماری مورد بررسی را تشکیل می دهند که از بین آن ها ۱۵۰ نفر از دانشگاه آزاد، ۱۹۵ نفر از دانشگاه دولتی و ۱۰۵ نفر از دانشگاه پیام نور انتخاب شدند.

زمان انجام تحقیق سال تحصیلی ۱۳۸۳/۸۴ بود. در این جمعیت آماری، تعداد دانشجویان پسر ۲۵۵ نفر و تعداد دانشجویان دختر ۱۹۵ نفر بودند که جمعا ۴۵۰ نفر می باشند ($N=450$).

روش نمونه گیری، به صورت نمون هگیری تصادفی ساده بوده (حجم نمونه ۲۵۵ نفر پسر و ۱۹۵ نفر دختر (که به صورت تصادفی از بین دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه آزاد، دانشجویان رشته جغرافیای دانشگاه زنجان و دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور به منزله حجم نمونه انتخاب شدند.

واحد تحلیل: واحد تحلیل در این پژوهش دانشجویان دانشگاه های زنجان هستند.

واحد مشاهده: واحد مشاهده در پژوهش حاضر فرد است که شامل تک تک دانشجویان دختر و پسر مشغول به تحصیل در دانشگاه های زنجان می باشد.

ابزار مشاهده: پژوهش حاضر به صورت مصاحبه انجام گرفته و ابزاری که برای انجام این مصاحبه به کار گرفته شد، پرسشنامه بود و تنها، یک نوع پرسشنامه با سؤالات ثابت برای این دانشجویان تدوین گردید که هر کدام از دانشجویان (دختر و پسر) را شامل می شود.

اعتبار و روایی تحقیق

اعتبار: اعتبار پژوهش مورد نظر، مبتنی بر اعتبار صوری است.

روایی: برای تعیین روایی شاخص ها و گویه ها در این پژوهش، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید که در جدول ذیل، نتایج آن قابل مشاهده است و این نتایج، گویای آن است که هر کدام از شاخص های متغیرهای لازم، روایی لازم را برای سنجش متغیرهای مورد نظر، دارند و قابلیت روایی آن ها در سطح خوبی واقع است.

جدول شماره ۱ آزمون ضریب روایی متغیرها

ردیف	متغیرها	نوع متغیر
۱	اعتماد اجتماعی	وابسته
۲	همبستگی اجتماعی	مستقل
۳	مشارکت اجتماعی	مستقل
۴	آنومی اجتماعی	مستقل
۵	بیگانگی اجتماعی	مستقل
۶	امیدواری اجتماعی	مستقل
۷	گرایش به ریسک	مستقل
۸	اقتدار اجتماعی	مستقل
۹	منزلت اجتماعی	مستقل
۱۰	امنیت اجتماعی	مستقل
۱۱	حمایت از نظم موجود	مستقل
۱۲	تعهد اجتماعی	مستقل

۷- جنس - تحصیلات + سواد والدین

برای سنجش متغیرهای اصلی پژوهش نخست آنها تعاریف مفهومی و سپس تعاریف عملیاتی شد و آنگاه شاخص های لازم و ضروری که ذیلا در جدول شماره ۲ مشاهده میشود، تعیین شد و از میان آن شاخ صها، سؤال های لازم استخراج و پرسشنام های با ۱۲۰ سؤال برای دانشجویان تدوین شد.

متغیرهای اصلی تحقیق عبارت بودند از: اعتماد اجتماعی به منزله متغیر وابسته، و متغیرهای احساس انومی اجتماعی، احساس بیگانگی اجتماعی، احساس امیدواری اجتماعی، احساس اقتدار اجتماعی، احساس منزلت اجتماعی، احساس تعهد اجتماعی، حمایت از نظم موجود، احساس امنیت اجتماعی، میل به مشارکت اجتماعی و میل به همبستگی اجتماعی، به منزله متغیرهای مستقل و اثرگذار بر متغیر وابسته اعتماد اجتماعی؛ در ضمن مشخصات فردی از جمله جنسیت، سن، محل سکونت، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن و وضعیت شغلی نیز به منزله متغیرهای مستقل و تأثیرگذار مدنظر قرار گرفتند. برای سنجش میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان به منزله متغیر اصلی، نخست به صورت زیر شاخ صسازی و سپس با استفاده از مقیاس ۵ درج های لیکرت) کاملاً موافقم / موافقم / تاحدودی / مخالفم / کاملاً مخالفم (معرف های آن استخراج گردید و برای سنجش در پرسشنامه نهایی با ۱۲۰ سؤال تعبیه گردید.

جدول شماره ۲ شاخص سازی و معرف سازی متغیرها

شاخص ها	مولفه	طیف مورد استفاده
تمایلات همکاری جویانه	<ul style="list-style-type: none"> - عدم تمایل به کارهای گروهی - گرایش به ورزش های گروهی - میل به فعالیت مشارکتی 	طیف پنج درجه ای لیکرت
گرایش به روابط اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - میل به روابط باز و گسترده با دیگران - میل به ایجاد روابط عاطفی با دیگران 	طیف پنج درجه ای لیکرت
قابلیت اعتماد داشتن	<ul style="list-style-type: none"> - انگشت شمار بودن افراد قابل اعتماد در جهان - نبود افراد مورد اعتماد - نبود اعتماد فردی به دیگران - رواج دروغ و ریا در نزد همه افراد - هر کس به فکر خویش است - در کل افراد جامعه غیر قابل اعتمادند 	طیف پنج درجه ای لیکرت
حس بدبینی	<ul style="list-style-type: none"> - اکثر افراد جامعه بدبین و بدخواهند - نبودن جایگاه مشخص افراد در جامعه 	طیف پنج درجه ای لیکرت
احساس ترس	<ul style="list-style-type: none"> - وجود ترس از در اختیار دیگران قراردادن اطلاعات و یافته ها 	طیف پنج درجه ای لیکرت
اطمینان	<ul style="list-style-type: none"> - عدم اطمینان در مبادلات - وجود اطمینان خاطر در روابط باز با دیگران - اساس روابط افراد بر مبنای سود و منفعت شخصی 	طیف پنج درجه ای لیکرت
امین بودن	<ul style="list-style-type: none"> - میل به امین بودن در نزد دیگران - میل به مورد اعتماد بودن در نزد سایر افراد 	طیف پنج درجه ای لیکرت
سهیم کردن	<ul style="list-style-type: none"> - میل به مشورت با دیگران در مکاتبات روزمره - میل به تبادل اطلاعات با دیگران 	طیف پنج درجه ای لیکرت

پرسشنامه سنجش اعتماد اجتماعی

سن

جنس

این پرسشنامه شامل یک سری گویه های مربوط به نگرش شما به اعتماد اجتماعی است . برای هر گویه پنج گزینه ممکن وجود دارد.

لطفاً گزینه ای را که بیانگر احساس شما می باشد را علامت بزنید . انتخاب پاسخ برای شما بین گزینه های (کاملاً موافق ، نظری ندارم ، مخالف و کاملاً مخالف) می باشد. لطفاً برای هر گویه فقط یک گزینه را انتخاب کنید.

ردیف	گویه ها	کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف
۱	به دوستان قدیمی خود اعتماد دارم.					
۲	معتقدم امروزه روزگاری است که به هیچکس نمی توان اعتماد کرد					
۳	علاقتمندم که دوستان و آشنایانم نسبت به من اعتماد داشته باشند.					
۴	معتقدم در جامعه باید بنا را بر بی اعتمادی نسبت به همه نهاد والا عقب مانده و زیان می کنم.					
۵	معتقدم واژه ها و عباراتی که در ذهنم نسبت به فرد خاص دارم به اعتماد و انتظار من از آن فرد رنگ و بو می بخشد.					
۶	اگر آشنایی به من مراجعه کند و درودل					

					نماید و مشکلی داشته باشد دوست دارم که هر طور شده به او کمک کنم.
۷					با دیدن فرد نیازمند از کمک به او خوشحال می شوم و بالافاصله در صدد کمک رسانی بر می آیم.
۸					علاقمند در زمینه های اجتماعی و اقتصادی با دیگران همکاری کنم.
۹					اگر نیازمندی به من رجوع کند و تقاضایی کمک داشته باشد، او را فوراً از سر باز می کنم.
۱۰					با صراحت معتقدم که به وجود آمدت اعتماد نیاز به زمان، امتحان و تجربه دارد.
۱۱					علاقمندم که نسبت به گذشته ، بیشتر رعایت اخلاق و انصاف را کنم.
۱۲					فکر کنم در جامعه ما هر کس به دنبال کار خودش است تا همکاری با دیگران
۱۳					وقتی فرزندم یا یکی از بستگانم بخواهد تنها در شب به محله دیگری برود نگران او می شوم و معتقدم که باید با صراحت نگرانیم را با او در میان بگذارم.
۱۴					معتقدم که راستگویی و صداقت سبب حفظ اعتماد در جامعه ماست.
۱۵					اگر بدهکاری بدهی خود را سر موقع نپردازد و دو سه بار مهلت بخواهد، فکر می کنم

					صادق نیست و قصد دادن بدهی خود را به من ندارد.	
					معتقدم مردم به دلیل عدم صداقتشان بیشتر با هم درگیر می شوند و اختلاف دارند.	۱۶
					علاقمندم با دوستان و آشنایانم در زمینه های اجتماعی صادق باشم.	۱۷
					معتقدم وجود ۸ میلیون پرونده سالیانه در دادرها بدلیل عدم صداقت در میان مردم است.	۱۸
					معمولا به تعهد یا قول شفاهی دیگران اطمینان دارم.	۱۹
					علاقمندم در امور مالی به دیگران اطمینان کنم.	۲۰
					معتقدم که امروزه مردم در کارها به دلیل داشتن تجربیات منفی زیاد از هم می ترسند.	۲۱
					معتقدم اگر کسی یک پیشنهاد به من داشته باشد نباید ریسک کنم و هر کس هر چیزی را گفت قبول کنم	۲۲
					چیزی را در محل کسب کسی جا گذاشته ام، اطمینان دارم در صورت مراجعه به آن محل آن چیز را به من بر می گرداند	۲۳

- ۱- آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۸۳. اعتماد، اجتماع و جنسیت: بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس .. "مجله انجمن جامع هشناسی ایران. دوره پنجم، شماره ۲
- ۲- امیرکافی، مهدی. ۱۳۸۰. اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. "نمایه پژوهش. سال پنجم، شماره ۱۸
- ۳- اعتماد/ اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴- اینگلهارت، رونالد. ۱۳۷۳. تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
- ۵- پوتنام، روبرت. ۱۳۸۰. دموکراسی و سن تهای مدنی. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- ۶- پیران، پرویز. ۱۳۸۳. جزوه درس جامع هشناسی شهری. رشته جامع هشناسی. دوره کارشناسی، دانشگاه علامه.
- ۷- توسلی، غلامعباس. ۱۳۷۳. نظری ههای جامع هشناسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی.
- ۸- چلبی، مسعود. ۱۳۷۵. جامع هشناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.

۹- چلبی، مسعود و امیرکافی، مهدی. ۱۳۸۳. تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی. "مجله

انجمن جامع‌شناسی ایران. دوره پنجم، شماره ۲

۱۰- رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۸. آناتومی جامعه: مقدم‌های بر جامع‌شناسی کاربردی.

تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۱- سرایی، حسن. ۱۳۷۲. مقدم‌های بر نمون‌هگیری در تحقیق. تهران: انتشارات سمت.

۱۲- شارع پور، محمود. ۱۳۸۰. فرسایش سرمایه‌های اجتماعی و پیامدهای آن. "نامه

انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۳

۱۳- فوکویاما، فرانسیس. ۱۳۷۹. پایان نظم. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات

جامعه ایرانیان.

۱۴- کلاوس، افه. ۱۳۸۴. سرمایه اجتماعی: چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟.

تهران: نشر شیرازه.

۱۵- کلمن، جیمز. ۱۳۷۷. بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر

نی.

۱۶- گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۳. تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

۱۷- مک کلن، ادوارد. ۱۳۸۴. سرمایه اجتماعی: اعتماد و مبادله بازاری. تهران: نشر

شیرازه.

۱۸- مؤیدفر، رزیتا. ۱۳۸۲. نگرشی بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن. "شریه مرکز

تحقیقات دانشگاه امام صادق. شماره ۱۲ و ۱۱